

سال ۲۰۰۲ به شهر مبارک آباد

12.11.2001

قابل ۵۲ شماره ۳۳

آقای ارم آریا جان ارجمند
درد دگر بر سر دستک بسیار از این که نامه فرستاده اید یعنی
ما را فرادوش نگورده اید بدیع و در راه نیز عالی را اید می کنند

Здравствуйте. галекій-близкий груг! Как хорошо
сказать Здравствуйте. галекій-близкий
груг!

یعنی منی خواهم زبان زیبای روسی را فرادوش کنم. بنحیه که نامه در بروسان

از این که شما درباره کتابهای اهدائی زانه به کتابخانه لنینی اهدا
کرده اید بسیار مگزارم. این یک یادگاری اید که امید است بجا ماند

خوشتر می کنم سلام همی بماند بدیع و در این شهر محترم آن و در وقت عمرت با
خانم محمد آوا و دوستان در کتابخانه لنینی و این به در این لنینی می یارند

از کارهای تازه ام: تریب. مجموعه های شوقی تازه است که باید
تشریح شود. معرفی بسیار کوتاه است (به خاطر این) به دیگر آلمان

فردانه برای شعر خوانی. و آخر آن در نگاه قاپره می خواند کتاب. دو جلد در جیب
برای معرفی ترجمه کنند و اگر دگر اید این آن بنویسند که باید ما ترسیل

برای شان نفرستم و قرار کار دیگر ... و برایش این است که برای این مگور ایتر

حتی یک نفر برای روسی ترجمه می کنید و اید و اید و اید و اید و اید و اید و اید

سلام

خوشتر می کنم این نامه را
باره کنید. اگر بدیع است آن ننویسند
از نو می نویسم. اما در بید وقت
فردانه است